

# برای نخستین سالمرگ هشام شرابی، اندیشمند معاصر فلسطینی

## ناقد پدرسالاری عربی

شهرین قادری



مدرن در آنها یافت می‌شود. در واقع تغییرات اجتماعی به صورتی سطحی و صوری برگزار شد و اصلاحات عمیق، اساسی و ساختاری، در این کشورها در حوزه‌های مختلف صورت نگرفت. شرابی عمدتاً تحقیقاتش را از موضعی درون خود واقعیت اجتماعی آغاز می‌کرد و از این رو «نقد فرهنگی» را مقدم بر همه چیز می‌دانست. او می‌گوید هدف من تنها فهرست‌بندی مشخصه‌های مختلف جامعه و فرهنگ پدرسالارانه جدید نیست، بلکه سهیم شدن در اضمحلال آن از طریق پیشنهاد چشم‌اندازهای گوناگون تحلیل و واژگان متفاوتی است که شاید سایر منتقدین عرب آن را جهت تخریب پدرسالاری جدید به عنوان یک پدیده فرهنگی تمام‌عیار، سودمند یابند. مدرنیته‌ای که او دنیای اسلام را به آن می‌خواند بر یک «شیوه بودن» (mode of being) دلالت دارد، نه مدلی که طلبیده شود یا نمونه‌ای برای تقلید و

نسخه‌برداری. جامعه‌ای که در دنیای معاصر نخواهد مدرن شود باید بهای گزافی بپردازد. مدرنیته نه تنها بر «فرهنگ» یا «سبک زندگی» جوامع تأثیر می‌گذارد، بلکه بر جوهره اصلی شیوه وجود آنان نیز اثر می‌گذارد.

مدرنیته، در یکی از حیاتی‌ترین جنبه‌هایش، باید هم به فرد و هم به جامعه کمک کند تا بیشترین میزان استعدادها و توانایی‌های خود را تحقق بخشند.

شرابی بر این امید بود که جامعه عرب همچنان در مسیر مدرن شدن گام بردارد و بر پدرسالاری جدید ناتوان کننده غلبه کند و جهان عربی مستقل، مترقی و انسانی‌ای بسازد. این نقد فرهنگی، مساعدتی است به آن تلاش.

۳. پدیده پدرسالاری جدید، آن‌گونه که در تاریخ رخ می‌نماید، معنایش را از دو اصطلاح یا واقعیت می‌گیرد که ساختار واقعی آن را تشکیل می‌دهند: مدرنیته و پدرسالاری. به شکلی عام از جامعه سنتی اشاره دارد که در هر جامعه‌ای خصیصه متفاوتی به خود می‌گیرد، در حالی که واژه مدرنیته اشاره به توسعه تاریخی بی‌همتایی دارد که به صورت اصیل خود در اروپای غربی رخ نمود و این اولین انقطاع تاریخی از سنت پرستی بود. این دگرگونی یکنانه، ضمن فراتر رفتن از پدرسالاری، آن را در خود هضم کرد و با همان حرکت، بین پدرسالاری سنتی و پدرسالاری نوسازی شده تمایز افکند. از این‌روست که شرابی معتقد است، فهم درست مفهوم پدرسالاری جدید بدون شناسایی دو واژه مقدم بر آن و مستتر در آن، یعنی پدرسالاری و وابستگی، ممکن نیست. شرابی همچنین تأکید می‌کند که خردگرایی نظام پدرسالار جدید فی نفسه یک ویژگی ذاتی پدرسالاری نیست، بلکه ویژگی ذاتی پدرسالاری «نوسازی شده» است. فرهنگ پدرسالار سنتی به خودی خود، با نظام‌های حمایت و اجبار، بخشندگی و اطاعت مربوط به آن، ناشی از شریاطی است که دیگر فراهم نمی‌شود. پدرسالاری سنتی، به شکل خالص آن، نمی‌تواند در دنیای مدرن زنده و باقی بماند، نه به این علت که «سنتی» است بلکه به این دلیل که دیگر سنتی نیست. و پدرسالاری «نوسازی شده» (پدرسالاری جدید) وسیله تلاش مداوم جامعه پدرسالار برای تحت کنترل نگهداشتن مدرنیته است.

جامعه پدرسالار چیست؟ چگونه به وجود می‌آید؟ چگونه دگرگون می‌شود؟ مشخصه‌های بارز آن کدامند؟ ارزش‌هایش، اشکال دانش آن، اعمال و رویه‌های اجتماعی آن، سازمان سیاسی آن؟

پدرسالاری اصطلاحی است که اساساً بر نوع خاصی از ساختار سیاسی - اجتماعی دلالت دارد: ساختاری با نظام ارزشی ویژه و اشکالی از گفتمان و عمل، که بر شیوه متمایزی از سازمندی اقتصادی استوار است. پدرسالاری سیمای اصلی روابط اجتماعی در شکل‌بندی اجتماعی ماقبل سرمایه‌داری است که به‌طور تاریخی به اشکال گوناگونی در اروپا و آسیا وجود داشته است. اما چه چیز سبب پیدایش خصوصیات ویژه پدرسالاری عربی شد و سرانجام آن چه شد؟

هشام شرابی، متفکر فقید معاصر جهان عرب، یکی از پیشگامان نقد تفکر اسلامی بود و تمام هم و غم خود را صرف این کرد تا به آگاهی در جهان عرب بپردازد.

\*\*\*

۱. هشام شرابی، ۴ آوریل ۱۹۲۷ در ساحل شهر یافا در فلسطین متولد شد و جوانی‌اش را در شهر عکا گذراند. زمانی که شعله‌های جنبش ملی در کشورش روشن شد به آمریکا رفت، وارد سیاست شد و به جنبش مخفی و سری عرب پیوست. در این میان افرادی چون شفیق حجاز، کاظم صلح، واصف کمال، درویش مقدادی و دیگران با او در این جنبش همکاری و فعالیت می‌کردند و تحت تأثیر استادانی چون شارل عیسوی و شارل مالک که تحقیقات قومی و ملی سوریه را انجام می‌دادند، قرار گرفت. در سال ۱۹۵۳ مدرک دکترای خود را اخذ کرد و استاد تاریخ فکر معاصر اروپا در دانشگاه جورج تاون در دو درس تاریخ و فلسفه شد.

در سال ۱۹۷۰ کتاب «مشهورترین فرهیختگان عرب و غرب» را نوشت که به پیشرفت‌های ایدئولوژیکی در جهان عرب اشاره می‌کند و به بیان روابط سیاسی که افکار فلسفی و دینی را دربرمی‌گیرد، می‌پردازد. در سال ۱۹۷۰ به بیروت رفت و سپس کتابهایی چون «مقدمت تحقیقات در جوامع عربی» (۱۹۷۵) و «نقد تمدن جوامع عربی» (۱۹۸۸) را منتشر کرد.

شرابی در ساخت و تأسیس تعدادی مؤسسه که به بررسی امور جهان عرب و مسائل فلسطین بپردازد اقدام کرد: از جمله این مراکز می‌توان به مرکز «تحقیقات عرب معاصر» در دانشگاه جورج تاون در سال ۱۹۷۵، «مرکز تحلیل‌های سیاسی درباره فلسطین» در واشنگتن سال ۱۹۹۰، صندوق قدس که سازمان فلسطینی است و به تحقیقات دانشجویان فلسطینی جایزه می‌دهد، اشاره کرد. وی در سال ۱۹۹۸ از دانشگاه جورج تاون به بیروت آمد و تا پایان عمر در آنجا زندگی می‌کند. شرابی تحقیقات بسیاری در زمینه گروه‌های اسلامی و اصول اسلامی که ثمره بررسی و زندگی در جوامع عرب و اسلام بود، به جا گذاشت. وی با بهره‌گیری از قرآن و متون قرآنی به منظور امکان ایجاد جامعه اسلامی اصیل در عصر کنونی تلاش کرد و بر این باور بود که مسلمانان باید با وحدت به راه مستقیم دست یابند. شرابی تنها راه مبارزه با دشمن را اتحاد و یکپارچگی در صفی واحد می‌دانست. هشام شرابی در ۱۳ ژانویه سال ۲۰۰۵ درگذشت و در پاشوره بیروت دفن شد.

۲. هشام شرابی، نویسنده و اندیشمند معاصر عرب، کتاب‌ها و مقالات زیادی پیرامون تاریخ فکری و سیاسی خاورمیانه و جهان عرب نوشته است. او سال‌ها استاد تاریخ و سیاست و پژوهشگر عضو مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی دانشگاه جورج تاون بود. شرابی با بهره‌گیری از رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی نظیر تاریخ، فلسفه، جامعه‌شناسی، اقتصاد و روان‌شناسی و با الهام از مارکس، وبر، و حتی فروید، با رویکردی عمیقاً انتقادی به رهیافت‌ها و گفتمانها و ساختارهای اقتصادی - اجتماعی سنتی و مدرن در جهان عرب پرداخته و در قالب «پدرسالاری جدید» آنها را نقد و ارزیابی می‌کند. به نظر شرابی مدرنیته که همزمان دربرگیرنده عقل و انقلاب است، در رابطه سلطه مرکز - پیرامون (در جهان عرب) در کشورهای عربی و اسلامی تحریف شد و تنها به نحوی صوری همان گفتمان‌های اقتدارگرایانه و ساختارهای پدرسالار سنتی را «نوسازی» و در واقع باز تولید کرد. در نتیجه نه از فرد و نهاد سنتی به معنای حقیقی کلمه در این سرزمین خبری هست و نه فرد و نهاد حقیقتاً

